

از بالین بیمار تا بیماری، از کرونا تا هدیه زندگی

عشق را نمی‌توان قرنطینه کرد

یوسف حیدری
گزارش نویس

«چطور می‌توانم روزی را که جواب تست کرونا ی من و همسرم مثبت اعلام شد فراموش کنم؟ تا آن لحظه مرگ را به این نزدیکی حس نکرده بودم. تا دیروز درمانگر بودم و حالا کرونا نفس ما را به شماره انداخته بود. من در بخش عفونی کار می‌کنم و همسرم در بخش آداری بیمارستان. تا اینکه بالاخره نزدیک به یک ماه قرنطینه و دست و پنجه نرم کردن با کرونا به پایان رسید و اولین روز نوروز توانستیم با همسرم به بیمارستان برگردیم و کنار کادر درمانی باشیم. ما کرونا را شکست دادیم و برگشتیم تا به دیگران برای شکست این بیماری کمک کنیم.»

نسترن طالبی و معین امینی هر دو در بیمارستان مسیح دانشوری کار می‌کنند و در همین بیمارستان به کرونا مبتلا شدند و بعد از یک ماه قرنطینه و بازایی سلامتی دوباره به کادر درمانی این بیمارستان پیوستند. اما این همه ماجرا نیست؛ تصویر آنها در حالی که پلاسمای خون‌شان را برای درمان بیماران کرونایی اهدا می‌کنند به سرعت در فضای مجازی منتشر شد تا مردم بار دیگر به احترام کادر درمان فداکار و از خود گذشته، کلاه از سر بردارند.

نسترن طالبی می‌گوید: «وقتی عکس‌های پرستاران بخش عفونی بیمارستان مسیح دانشوری را در لباس‌های مخصوص می‌دیدم از اینکه در این شرایط، بیماری مرا از جمع همکارانم دور کرده بود احساس پوچی می‌کردم و گریه می‌کردم و می‌گفتم چرا در این وضعیت نباید کنار آنها باشیم؟ آنها را درک می‌کردم و می‌دانستم چه فشاری را تحمل می‌کنند.»

او ادامه می‌دهد: «۱۳۰ سال است که پرستار هستم و از ۱۰ سال قبل هم در بخش عفونی بیمارستان مسیح دانشوری فعالیت می‌کنم. همسرم در بخش آداری بیمارستان کار می‌کند و بهترین لحظه‌های زندگی‌مان وقتی است که یکی از بیماران سلامتی‌اش را بدست می‌آورد و مرخص می‌شود.»

او درباره نحوه ابتلایش به کرونا می‌گوید: «هرسال فصل پاییز و زمستان با اپیدمی آنفلوانزا مواجه هستیم و از آنجایی که بیمارستان مسیح دانشوری به شکل تخصصی در زمینه عفونی و ریه فعالیت می‌کند بیماران مبتلا به آنفلوانزا در این بیمارستان بستری می‌شوند. این سال‌ها برخی از کادر درمانی هم با وجود اینکه از وسایل حفاظت فردی استفاده می‌کنند به آنفلوانزا مبتلا می‌شدند که معمولاً ۳ روز تا یک هفته دوره درمان آن طول می‌کشد. من با علایم بدن درد و سرفه و تنگی نفس مواجه شدم و احساس کردم آنفلوانزا H1N1 گرفته‌ام که خیلی شایع شده بود. هنوز اطلاعات چندانی درباره کرونا وجود نداشت. تصور می‌کردم از بیماران بستری در بخش آنفلوانزا گرفته‌ام و چون همسرم هم مبتلا شده بود، در خانه ماندم تا روند بهبودی‌مان طی شود. با گذشت چند روز شرایط جسمی ما بدتر شد. روزهای نخست اسفند ماه وقتی خبر ابتلای چند بیمار به کرونا منتشر شد من و همسرم به بیمارستان رقتیم و تست کرونا دادیم و با مثبت شدن تست کل شرایط زندگی ما تغییر کرد.»

وقتی می‌خواهد از روزهای سخت قرنطینه حرف بزند مکت می‌کند. یادآوری روزهایی که از شدت نفس تنگی بالش را روی سینه‌اش فشار می‌داد تا درد کمتری حس کند، سخت است؛ روزهایی که هر بار برای تست کرونا به بیمارستان می‌رفتند و جواب همچنان مثبت بود: «وقتی من و همسرم متوجه شدیم کرونا داریم با توصیه پزشکان و تجهیزاتی مثل کپسول اکسیژن و داروهایی که بیمارستان در اختیارمان قرار داد، تصمیم گرفتیم خودمان را در خانه قرنطینه کنیم. روزهای سختی بود. گاهی اوقات حوصله همدیگر را هم نداشتیم و حتی نمی‌توانستیم تا حیاط خانه برویم. تنگی نفس به حدی بود که گاهی اوقات احساس می‌کردم مشکل قلبی پیدا کرده‌ام چون به عضلات قلب و ریه فشار زیادی وارد می‌شود. سعی می‌کردیم به هم روحیه بدهیم و در این مدت هم اطرافیان و مسئولان آداری بیمارستان در تماس بودند و چیزهایی را که نیاز

داشتیم برای‌مان تهیه می‌کردند. در طول قرنطینه دوبار برای آزمایش به بیمارستان رقتیم و دعا می‌کردیم جواب منفی باشد تا بتوانیم به محل کارمان برگردیم اما هردو با اعلام کردند جواب مثبت است. همسرم از عصبانیت با خودش قهر می‌کرد و نمی‌توانستیم برای این سؤال که ویروس از کجا و چطور وارد بدن ما شده و کی سلامتی‌مان را به دست می‌آوریم، جوابی پیدا کنیم.»

معین در آن روزهای سخت قرنطینه و بیماری تلاش کرد به همسرش نسترن روحیه بدهد هر چند خودش سخت بیمار و کلافه بود. او می‌گوید: «وقتی بیماری عجیبی سراغت می‌آید حسابتی کلافه می‌شوی، آن هم بیماری که نه دارویی دارد نه درمانی و مجبوری همچنان امیدوار باشی تحمل تنگی نفسی که انگار دارد قفسه سینه ات را محاله می‌کند، واقعاً سخت است. روزهای اول وصیتنامه نوشتم و خودم را به خدا سپردم. درعین حال سعی می‌کردم به همسرم آرامش بدهم ولی در دلم غوغایی بود. با توجه به اینکه من و همسرم در بیمارستان کار می‌کنیم شاید مریض شدن برای ما کمی عادی باشد اما این بار شرایط فرق می‌کرد. با همکاری مسئولان بیمارستان در خانه قرنطینه شدیم و در این مدت هیچ ارتباطی با بیرون نداشتیم تا کسی مبتلا نشود. خیلی اوقات با کمک کپسول اکسیژن نفس می‌کشیدیم و سعی می‌کردیم دستورات پزشکان را به خوبی اجرا کنیم. در این مدت هم پرسنل و کادر درمان بیمارستان با ما در تماس بودند و روند درمان را بررسی می‌کردند. با همه سختی‌ها و ناتوان شدن‌ها نتوانستیم تسلیم این ویروس شویم و خدا را شکر تسلیم نشدیم. بعد از یک ماه وقتی جواب تست کرونا ما منفی شد با خوشحالی شال و کلاه کردیم و لحظه سال تحویل به محل کارمان در بیمارستان مسیح دانشوری برگشتیم. واقعاً لحظه خوبی بود و ما به عنوان کسانی که کرونا را شکست داده بودیم تلاش کردیم به بیماران مبتلا به کرونا روحیه بدهیم.»

تحقیقات نشان داده پلاسمای خون کسانی که به کرونا مبتلا شده و سیستم ایمنی بدن‌شان بر این بیماری غلبه کرده است می‌تواند در درمان بیماران دیگر مؤثر باشد و با افزایش آنتی‌بادی بدن آنها به روند درمان کمک کند. نسترن طالبی درباره لحظه بازگشت به بیمارستان و اهدای پلاسمای خون خود می‌گوید: «بعد از یک ماه که به بیمارستان برگشتم دیدم قدردنم برای این لحظه تنگ شده بود. حالا من به بیماران و کادر درمان روحیه می‌دادم و به بیماران می‌گفتم نگران نباشید چون خیلی زود خوب می‌شوید. وقتی متوجه می‌شدند من هم کرونایی بوده‌ام خیلی خوشحال می‌شدند و روحیه می‌گرفتند. این روزها پرستاران و پزشکان هم لحظه‌های خیلی سختی را از سرمی گذراندند و خسته می‌شوند اما همچنان مقاومت می‌کنند و به کارشان ادامه می‌دهند. هفت ساعت با لباس‌هایی که حرارت بدن را بالا می‌برد و ماسک و محافظ صورت باید در بخش باشیم که کار سختی است. خیلی از پرستارها زیبایی و نشاط صورت‌شان را در این مدت از دست داده‌اند. اهدای پلاسمای خون یکی از راه‌هایی است که پزشکان بیمارستان مسیح دانشوری براساس



تجربه پزشکان چینی مشغول بررسی آن هستند. در این پروسه پلاسمای خون کسانی که به کرونا مبتلا شده و موفق به شکست این بیماری می‌شوند به بدن بیماران مبتلا به کرونا تزریق می‌شود. من و همسرم هم با توصیه پزشکان داوطلب شدیم پلاسمای خون‌مان را برای کمک به بیماران اهدا کنیم و این بهترین لحظه زندگی ما بعد از یک ماه قرنطینه و مبارزه با کرونا و به دست آوردن سلامتی‌مان بود.»

کرونا و امید به تولد دردناک حکمرانی بهتر

داستان مواجهه نهاد دولت در ایران (نه فقط دولت حسن روحانی) با کرونا، حکایتی تاریخی است. من قبل از متن «پیچیدگی‌های تاریخی کرونا» در اختیار این امر را تشریح کرده‌ام. کرونا حاقل همه تاریخ معاصر را پیش چشم ما به رقص وامی‌دارد. کرونا همه



محمد فاطلی
عضو هیات علمی
دانشگاه شهید بهشتی

مشکلات حکمرانی کشور را که زیر فرش جارو کرده‌ایم، عین کاری که روانکاواها با ناخودآگاه بیمارشان می‌کنند، جلوی چشم‌مان ریس می‌کند. کرونا همه دُهل‌هایی را که در تاریخ معاصر نواخته‌ایم یک‌جا به صدا درمی‌آورد و همه پلشتی‌های دستگاه سیاست‌گذاری عمومی، ظرفیت اجرا و قابلیت‌های ناتوانی‌های حکمرانی را به رخ‌مان می‌کشد. کرونا همه ضعف‌های فرهنگ عمومی مردم ما را دانه دانه به سیخ می‌کشد و کباب می‌کند تا بوی کِز خوردگی‌اش فضای زندگی‌مان را پر کند. اگر تا پایان این متن همراهی عمومی، ظرفیت‌های تاریخی می‌دهم که مسأله چیست و سویه‌های امیدوارانه آن چیست، بیست‌وسه روز پیش در اولین فایل صوتی که درباره کرونا منتشر کردم توضیح دادم که این

مسأله بدخیم (Wicked) است. همان جا گفتم و بعد نوشتم که کرونا همه دولت‌های جهان را به چالش خواهد کشید. کشورها از ایتالیا تا آلمان، اسپانیا، فرانسه، انگلستان، کره جنوبی و آمریکا تا ظاهراً به‌سامان‌ترین کشورهای دنیا در اسکندیناوی با کرونا درگیر شده‌اند و تعداد جان‌باختگان در جهان به بیش از ۳۰ هزار نفر رسیده است. کشته‌های ایتالیا به بیش از ده هزار نفر و آمریکا و فرانسه به دو هزار نفر نزدیک می‌شود. جهان هرگز پیش از این با چنین مسأله‌ای مواجه نشده است. اگر تجربه جهانی وجود داشت احتمالاً عملکرد بهتری را شاهد بودیم کما این‌که تاوین با اتکا به تجربه بیماری سارس در سال ۲۰۰۳، عملکرد بهتری در کنترل بیماری داشته است. دو اصل بسیار مهم – از چندین اصل – مدیریت مسائل بدخیم عبارتند از: یک، رویکرد «همه-با-هم؛ دو، راحل‌ها محلی هستند. عمده کشورها از جمله ایران در هر دو مشکل اساسی دارند. اصل سوم، ناظر بر پی‌آمدهای راحل‌هاست؛ به راحل‌ها که در پیش بگیرند، بی‌آمدهای زیاد و اغلب ناشناخته‌ای دارد که به سایر عرصه‌ها گسترش می‌یابد. سؤال مهم حالا این است که حکمرانی کرونا در ایران در این یک ماه، با توجه به این سه اصل و شرایط خاص ایران، و تحولات آن چگونه است؟ آیا جایی برای امیدواری هست؟

■ بهبود تدریجی حکمرانی جزیره‌ای

حکمرانی کشور از اساس جزیره‌ای است. تفکرات هم جزیره‌ای است. ما هنوز متخصصان و سیاست‌گذارانی داریم که فکر می‌کنند کرونا مسأله پزشکی است و چه ارتباطی به مدل‌سازی ریاضی، علوم اجتماعی یا تحلیل سیستم‌های پیچیده دارد. این سیستم هرگز با مسأله‌ای در مقیاس جهانی کرونا که مدیریت آن نیازمند «برنامه‌ریزی و اقدام میان‌بخشی» باشد مواجه نشده است. سپردن شده‌ای ملای مقابله به وزارت بهداشت تا ابتدا، از همین امر ناشی می‌شد. ماهیت بین‌بخشی کار در ابتدا درک نشد و سیستم هیچ وقت درکی از ایجاد پدیده نداشت، کما این‌که بقیه دولت‌های باظرفیت‌تر جهان هم از ابتلا در کی از ماهیت این پدیده نداشتند و بسیار دیر با عواقب آن آشنا شدند. رفتار دولت انگلیس با کرونا نمودی از همین وضعیت است. تردید ندارم هیچ‌گاه در تاریخ نظام اداری ایران چیزی شبیه «دستورالعمل برنامه‌ریزی و اقدام بین‌بخشی برای مقابله با اپیدمی» نوشته نشده است. طبیعی است که دستگاه‌ها در مواجهه با مسأله گنگ و گیج شوند، و هنوز اثرات این وضعیت باقی باشد. روند تدریجی تصمیمات در سطح ستاد ملی مقابله با کرونا، ارتقای آن به سطح ریاست رئیس‌جمهوری و اتخاذ تصمیم‌ها درباره اعمال محدودیت‌ها و تعطیلی‌ها، حاصل چنین وضعیتی است. تلخ اما خوب است که ببینیم دستگاه‌ها دور یک میز، به تدریج، به هماهنگ شدن با یکدیگر برای کنش

مشتربک و هماهنگ عادت می‌کنند. زمان‌بر، دردناک و پرچالش خواهد بود، امید هیچ معجزه زودهنگامی نیست و مثل ارتقای ظرفیت در مقابل هر مسأله بدخیمی که رویکرد «همه-با-هم» را لازم دارد، باید گریز از بخشی‌نگری و بخشی‌اندیشی را تشویق و تسهیل کرد و هر گام مثبت در این مسیر را قدم به قدم، استوار کرد و به نقطه بی‌بازگشت رساند.

■ انگیزه‌ی راحل‌های محلی

گزارش‌ها نشان می‌دهد چین از طریق قرنطینه موفق شده است بیماری را کنترل کند. گزارش‌ها نشان نمی‌دهند که بقیه کشورها در مقیاس چین موفق به قرنطینه شده باشند. گفتن این‌که چرا تهران، قم یا رشت قرنطینه نشد، چرا کشور یک ماه تعطیل نمی‌شود یا چرا مبالغه‌ی یاب دو ماه تأمین زندگی افشار آسیب‌پذیر به آن‌ها پرداخت نمی‌شود تا در خانه بمانند، ساده است. من اما تردید ندارم ظرفیت انجام هیچ کدام از این اقدامات برای دولت ایران وجود ندارد. دولت – در این جا قوه مجریه – ایران ظرفیت تأمین چند میلیارد دلار از ذخائر برای کمک به افشار آسیب‌پذیر را ندارد. این‌جا آمریکا، فرانسه، آلمان یا انگلستان نیست که به سرعت بسته کمک ۴۰ میلیارد یورویی



دل تلخی‌های کرونا زاده می‌شوند.

■ راهکارهای پرعوارض

دولت اگر تعطیلی گسترده اعلام کند، ذخیره و پس‌انداز بسیاری از خانوارها به سرعت تمام می‌شود و برخی از ابتدا هم پس‌اندازی نداشته‌اند (نظیر کارگران روزمرد و افشار بسیار آسیب‌پذیر). دولت کم‌ظرفیت از نظر مالی و فاقد نظام حمایت اجتماعی هدفمند منسجم، چگونه باید با این مسأله کنار بیاید؟ تعطیلی ممکن زنجیره انتقال ویروس را کند یا متوقف کند، اما مدت زمان ضروری برای این کار می‌تواند میلیون‌ها خانواده را تا سر حد گرسنگی ببرد و دولت باید پذیرای عواقب این وضعیت باشد. (این‌که چرا کشور به گونه‌ای اداره شده که حالا به این وضعیت از نظر رفاه اجتماعی برسیم، در جای خودش محل بحث است؛ اما فعلاً سیاست‌گذار مسأله‌ای‌تر مدیریت کرونا را دارد.) دولت اگر سیاست تعطیلی را در پیش نگیرد، زنجیره انتقال ویروس متوقف نمی‌شود، جان‌باختگان افزایش می‌یابند و کادرهای درمانی تحت فشار بیشتری قرار می‌گیرند. عاقبت این وضعیت نیز ممکن است به همان مسائل سیاسی و امنیتی سناریوی اول بینجامد.

این‌جا نیز مثل بقیه مسائل بدخیم با این قاعده روبه‌رو هستیم «راحل‌ها که درست و غلط ندارند، بلکه خوب و بد دارند.» همه راحل‌ها به جهات مختلف می‌کشند، به جهاتی غلط‌شده و جبران بین همه این‌ها در «خوب‌با‌بد» بودن یا ترکیبی از خوب و بد بودن راهکارها جلوه می‌کنند.

شرایط جهانی هم به کمک آمده است و معلوم شده کشورهای باظرفیت‌تر و توانمندتر هم راهکارهای قاطعی ندارند و هر کدام در سعی و خطا هستند. همه دولت‌ها به رویه‌هایی برای تصمیم‌گیری بهتر و سریع‌تر در مقابله با چنین بحران‌هایی نیاز دارند. این شرایط یک سؤال بزرگ پیش روی دولت‌ها و از جمله دولت در ایران قرار می‌دهد: چگونه می‌توان با مسائلی مواجه شد که هر راهکاری در مقابل آن‌ها عوارض خودش را دارد و مردم را ناراضی می‌کند؟ چگونه باید با مردم در چنین شرایطی مواجه شد؟ این جاست که اعتقاد هم‌زمانی سرمایه اجتماعی و ظرفیت طرح مسأله با مردم برای رسیدن به راهکارهای رضایت‌بخش (نه بهینه) و مورد اجماع (نه برآمده از اتاق‌های بوروکراسی) اهمیت می‌یابند. دولت در مواجهه با این مسأله – اگر جامعه تنگی هم ظرفیت تحلیلی این مسائل را بالا ببرد – یادگیری برای حکمرانی بهتر خواهد داشت. یاد می‌گیرد چگونه با مسأله‌ای مواجه شود که هیچ راحل بدون عارضه‌ای وجود ندارد. سؤال حالا این است که آن سیستم جزیره‌ای فاقد توانایی برای اجرای راهکارهایی نظیر قرنطینه کامل یا ارائه کمک‌های مالی گسترده به مردم و نگاه‌ها، در مقابل هر راهکاری که خودش عوارض شدید دارد، چه باید بکند. این سیستم درد را تحمل می‌کند و تازه عواقب عقب‌ماندگی تاریخی در ایجاد دولت مدرن، و عواقب سیاست‌های چند دهه گذشته را می‌بیند و به تدریج ظرفیت‌هایی برای مواجه شدن با مسأله پیدا می‌کند. سیستم به تدریج و با فشار مسأله، در تعامل با پذیرش عمومی و فشار نخبگانی، و با دریافت واقعیت‌ها، به ظرفیت ارزیابی میزان خوب یا بد بودن گزینه‌ها می‌رسد. باز هم تلخ، دردناک ولی ناگزیر.

■ اطلاع‌رسانی شفاف‌تر

ما به‌طور تاریخی در کشوری زندگی می‌کنیم که یک مشت «عشق محرمانه» کنار هم در دستگاه اداری جمع شده‌اند. دستگاه اداری گاه ریشه‌های رزنامه‌ها را کلاً هم جمع می‌کند و در یک پلنر به اسم محرمانه به خورد مدیر بالادستی‌اش می‌دهد. طبیعی است در چنین وضعی، مطالبه‌ای که کرونا مطرح کرده – شفافیت – سخت به خورد نظام اداری می‌رود. آدم‌ها اصلاً عادت به چنین کاری ندارند. درست در چنین شرایطی، جلسه ستاد ملی کرونا و جزئیات مکالمات و مباحثات رئیس‌جمهور با مدیران از تلویزیون پخش می‌شود. همین کار سبب می‌شود رئیس صدا و سیما هم از قرارداد با شرکتی به نام توسکا که تبلیغات را ظاهراً در انحصار دارد پرده‌برداری کند. سین جیم و بگو مگوی حسن روحانی با مدیرانش برای اولین بار به این شکل و در این مقیاس (هر بار حدود ۵۰ دقیقه) منتشر می‌شود. نظام سیاسی زیر بار سنگین‌ترین فشار عمومی برای پاسخ‌گویی قرار گرفته و خروجی همین تحول به‌ظاهر ساده در نظام اطلاع‌رسانی است. نظام اطلاع‌رسانی در این شرایط جهان‌گیر شدن کرونا، شجاعت بیشتری نیز برای شفافیت پیدا می‌کند. کرونا فقط در ایران سبب مرگ انسان‌ها نمی‌شود. جان‌باختگان در ایتالیا و اسپانیا بسیار بیشتر از ایران هستند. دولت در مسأله‌ای مشترک با بسیاری از کشورهای جهان، شجاعت بیشتری برای شفافیت پیدا می‌کند.

■ مسأله تحریم‌ها

همه مشکلاتی را که کشورهای دیگر ناشی از مواجه شدن با بدخیمی کرونا دارند، برای دولت ایران باید در دستور تحریم‌ها دید. نفت فروش نمی‌رود و قیمت‌اش هم سقوط کرده است؛ دریافت کمک و دارو هم مشکل است؛ انسجام در مقابل مسأله‌ای نظیر دریافت کمک از سازمان پزشکان بدون مرز هم وجود ندارد؛ و منابع مالی ناشی از تحریم‌ها، کاهش فعالیت‌های اقتصادی و هزینه‌های سرسام‌آور بهداشت و درمان، سخت تحت فشار هستند. هیچ دولت دیگری در دنیای کرونازده با بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی جهان درگیر نیست. هیچ دولت دیگری نیز چندین رسانه خارجی در پی بزرگ کردن نواقص و کوچک کردن نقاط مثبت‌اش نیستند. هیچ دولت دیگری در جهان هم «سال ۹۸» نداشته است.

«سال ۹۸» خودش به اندازه چند سال تلخ و طاقت‌فراست. هیچ کشور کرونازده دیگری نیست که به این اندازه بین مردم و نظام سیاسی دیوار بی‌اعتمادی کشیده شده باشد. من فعلاً به ریشه‌های تحریم کاری ندارم. مسأله سیاست‌گذار فعلاً تعدیل بحران کرونا، کاستن از تعداد قربانیان و عبور کمتر خسارت‌بار از بحران است. فشار ناشی از تحریم‌ها را کل نظام سیاسی در دل بحران کرونا بیشتر حس خواهد کرد. تلخی این داستان، از دست دادن برخی هم‌وطنان بر اثر کاستی‌های ناشی تحریم‌هاست، اما بازنگری در نوع مواجهه نظام سیاسی با تحریم‌ها، آغاز می‌شود. این سؤال بزرگ مطرح می‌شود که آیا می‌شود برای مدت طولانی تحریم بود و کشتی کشوری ۸۴ میلیونی را با موتور نیم‌سوز بر اثر تحریم در دل دریایی موج‌از حوادث پیش‌بینی نشده نظیر کرونا به پیش راند. رژیم ذهنی پشتیبان تل دادن به تحریم بر اثر کرونا سخت ضربه خواهد خورد.

■ نتیجه‌گیری

دستگاه سیاست‌گذاری عمومی با همه کندهای و ناکارآمدی‌هایش، در بحران کرونا، خیلی تلخ و دردناک، چیزهای زیادی خواهد آموخت. تلخ‌ترین اتفاق، از دست دادن هم‌وطنان است. این سیستم اما به خود آگاهی‌هایی می‌رسد و در کوران راحل‌های تلخ می‌آموزد: بین‌رشته‌ای، میان‌بخشی و دور از تعصبات سازمان‌مانی بخشی نگر بیندیشد و عمل کند. اطلاع‌رسانی‌اش شفاف باشد، حتی تا حد پخش کردن جلسه رئیس‌جمهور با مدیرانش، و روی دایره ریختن خیلی از اسرار، گویی قیامت سیاست‌گذاری عمومی برپا شده و باید اسرار فاش شود. کشور را نباید همواره در شرایط مرزی و «الحاله‌الله از بیخ گوش‌مان گذشت» اداره کرد تا در روزهای این چنینی چند ده میلیارد دلار کمک فوری دولت به خانوارها و نگاه‌ها امکان‌پذیر باشد. تحریم اصلاً نعمت نیست. تحریم تل تل دادن به بی‌بهره‌وری است. خطر انداختن کار مردم است. باید در رویه‌ها و پروتکل‌های نظام اداری بازنگری کرد تا به محض بروز بحرانی در جهان، ماهیت جهانی‌شدن و اثر زود یا دیر هنگام آن بر ایران رصد شده و پیش‌بینی‌های لازم صورت گیرد. باید کشور «مرکز پشتیبانی تصمیم‌گیری» در سطوح مختلف داشته باشد و اندیشکده‌های سیاست‌گذاری عمومی رقیب نظام سیاسی نیستند، بلکه اجازه دادن به بسط آزادانه اندیشکده‌ها، کمک نظام سیاسی است.

اقتدار منسجم و به چالش کشیده‌نشده دولت، مقید به قانون، ضروری است. درست کردن مراجع و مراکز مختلف قدرت اعم از مذهبی و غیرمذهبی که قادر باشند سیاست‌های ملی را به چالش بکشند، عاقبت خوشی ندارد. این فهرست را می‌توان کامل‌تر هم کرد که آن‌ها به خطر انداختن کار مردم است. باید در این است که همه نقصان‌ها را باید دید اما برای دآوری درباره عملکرد دولت و سیاست‌گذار در عرصه کرونا، به منظور یافتن راه‌هایی برای کم کردن خسارت بیماری برای مردم، باید همه ویژگی‌های بارشمرده شده در این نوشتار، و محدودیت‌های دولت مهارت نشده است. این کودک می‌تواند مرده به دنیا بیاید. شاید وظیفه نخبگان و صاحبان نفوذ بر نیروهای اجتماعی است که متولد شدن این نوزاد را تسهیل کرده و از مرگش جلوگیری کنند. تلاش باید کرد تا زجر که از این بحران می‌کشیم و همه آن ریشه شدن مصائب انباشته چنددهه‌ای حکمرانی در همه ابعاد، به پایان خوشی بینجامد و فقط خاطره‌ای تلخ، انباشته بر تلخی‌های گذشته نشود.